

جامعه‌شناسی سیاسی معاصر

جهانی شدن، سیاست و قدرت

کیت نش

ترجمه دکتر محمد تقی دلفروز

با مقدمه دکتر حسین بشیریه

همراه با اصلاحات

Nash, Kate

جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت / مؤلف کتاب نش، ترجمه محمد تقی دلخروز -

تهران: کویر، چاپ سیزدهم: ۱۳۹۴

۳۶۸ ص.

ISBN: 964-6144-60-8

فهرستنامه براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Contemporary political sociology: globalization, politics and power, 2000.

کتابخانه: من. [۳۲۱] - ۳۴۷

۱. جامعه‌شناسی سیاسی، الف. دلخروز، محمد تقی. مترجم، ب. عنوان.

۲۰۶/۲

۷۹۲۰۶۹۸

JA /۷۶ ۵۲

شماره کتابخانه ملی



جامعه‌شناسی سیاسی معاصر

جهانی شدن، سیاست و قدرت

■ کیت نش

□ دکتر محمد تقی دلفروز

● ویراستار: عبدالرحیم مرودشتی ● طراح جلد: حمیدرضا رحمنی

● حروفنگار و صفحه‌آرا: انتشارات کوین، نسرين قدرتی

● لیتوگرافی و چاپ: خزان ● صحافی: کیمیا

● شابک: ۹۶۴-۶۰-۸ ● شمارگان: ۱۵۰۰ ● چاپ اول: ۱۲۸۰ ● چاپ سیزدهم: ۱۲۹۴

● کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ ● تلفن: ۰۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ ● فاکس: ۰۸۸۳۰۱۹۹۲ ● قیمت: ۲۰۰۰ تومان

● Email: kavirbook@gmail.com

● کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ ● تلفن: ۰۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ - ۹ و ۰۸۸۳۰۱۹۹۲ و ۰۸۸۳۴۲۶۹۷

● نشانی: تهران، کریم خان زند، ابتدای فائم مقام فرامانی، کوچه یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

● نمامی حقوق این اثر محفوظ است. نکیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزوی،

به هر صورت (چاپ، فتوگفی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۹	مقدمه دکتر حسین بشیریه
۱۰	پیشگفتار مترجم
	فصل یکم
۱۹	مقدمه: دنگرگونی تعاریف سیاست و قدرت در جامعه‌شناسی سیاسی
۲۲	۱.۱- سنت مارکسیستی جامعه‌شناسی سیاسی
۲۸	۱.۲- سنت وبری جامعه‌شناسی سیاسی
۳۸	۱.۳- نظریه گفتگان، قدرت و سیاست
۴۹	۱.۴- عرصه سیاست فرهنگی و جامعه‌شناسی سیاسی جدید
	فصل دوم
۷۱	سیاست در یک جهان کوچک: جهانی شدن و افول دولت-ملت حاکم
۷۳	۲.۱- جنبه‌های مختلف جهانی شدن
۸۰	۲.۲- جهانی شدن، مدرنیته و پسامدرنیته
۹۵	۲.۳- فرهنگ جهانی: جهانی شدن به مثابه پسامدرن شدن
۱۱۴	۲.۴- عرصه سیاست فرهنگی و گسترهایی در «چشم اندازهای جهانی»

فصل سوم

سیاسی شدن جامعه: جنبش‌های اجتماعی و عرصه سیاست فرهنگی	۱۲۹
۳.۱- جنبش‌های اجتماعی: چه چیزی جدید است؟	۱۳۱
۳.۲- نظریه بسیج منابع و فراسوی آن	۱۴۴
۳.۳- نظریه جنبش اجتماعی جدید: برخورد و فرهنگ	۱۶۲
۳.۴- به سوی یک نظریه تلقیقی: تعریف «جنبش اجتماعی»	۱۷۶
۳.۵- جنبش‌های اجتماعی و جهانی شدن	۱۸۲

فصل چهارم

چالش میان حقوق جهانشمول و حقوق خاص	۱۸۹
۴.۱- تی: اچ مارشال: شهروندی، طبقه اجتماعی و دولت-ملت	۱۹۲
۴.۲- شهروندی، جنس و امر چنسی	۱۹۸
۴.۳- شهروندی، «زاد» و قومیت	۲۱۲
۴.۴- شهروندی و فقر: «طبقه پایین» و «محرومیت اجتماعی»	۲۲۹
۴.۵- شهروندی فراملی	۲۳۶

فصل پنجم

دموکراسی و فرایند دموکراتیک شدن	۲۵۵
۵.۱- پیچیدگی و دموکراسی	۲۶۰
۵.۲- پسامدرنیته و دموکراسی رادیکال	۲۷۳
۵.۳- پامدهای جهانی شدن برای دموکراسی	۲۹۰
۵.۴- دموکراسی و عرصه سیاست فرهنگی	۳۰۷

لغت نامه

منابع	۳۲۱
نمایة موضوعی	۳۵۰
نمایة اسامی	۳۶۴

جامعه‌شناسی سیاسی، در مفهوم رایج و کلاسیک آن، روابط حکومت و جامعه را در محدوده دولت ملی مدرن بررسی می‌کند. همه مکاتب و نظریه‌های عمدۀ در جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک، از مارکسیسم گرفته تا نخبه‌گرایی و تکنیک‌گرایی، بر روابط متقابل حکومت و جامعه و به ویژه تأثیرات تبیین کننده نیروها و ساختار اجتماعی بر قدرت سیاسی در چارچوب دولت ملی تمرکز داشته‌اند. طبعاً بر حسب نوع نگرش در این مکاتب، مقولاتی مانند طبقات اجتماعی، نیروهای اجتماعی، گروه‌های برگزیده، شکاف‌های اجتماعی، گروه‌های نفوذ و غیره به، عنوان عوامل تأثیرگذار بر عرصه قدرت سیاسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک بر سه سطح تحلیلی مختلف تمرکز داشته است: سطح تحلیل رفتار سیاسی فرد به وسیله متغیرهای گوناگون، که موضوع رفتارشناسی سیاسی را تشکیل می‌دهد. سطح تحلیل گروهی در جامعه‌شناسی‌های نخبه‌گرایانه و کشت‌گرایانه کلاسیک غربی، که نفوذ‌گروه‌های سازمان‌یافته بر عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را در کانون بحث خود قرار می‌دهد. و سرانجام، سطح تحلیل دولت، که به ویژه در مارکسیسم مورد توجه قرار داشته است، پایگاه‌های اجتماعی و طبقاتی رژیم‌های سیاسی را موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی تلقی کرده است. در هر حال، واحد اصلی مطالعه در همه این نگرش‌ها محدوده دولت ملی بوده است. اما اینکه با توجه به گسترش فرایندهای «جهانی شدن» در عرصه‌های مختلف و در نتیجه، تضعیف دولت ملی، به نظر می‌رسد که دامنه و عرصه و موضوعات و در نتیجه نگرش‌های مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی دستخوش تحولات عمدۀ و اساسی شده باشند. با توجه به اینکه دولت ملی به عنوان واحد مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی به نحو فرایندهای در معرض فرایندها و فشارهای جهانی شدن قرار گرفته است، در نتیجه خود این فرایندها در عرصه جهانی به عنوان موضوع اصلی جامعه‌شناسی

سیاسی جدید در حال ظهور هستند. بدین سان به نظر می‌رسد که «پارادایم» اصلی جامعه‌شناسی سیاسی در حال تغییر باشد. در پارادایم کلاسیک، مقاهمی چون دولت ملی، رابطه حکومت و جامعه، طبقة حاکمه، نخبگان سیاسی، احزاب و پایگاه اجتماعی رژیم‌های سیاسی غلبه داشته‌اند، در حالی که در پارادایم جدید ساختارهای اقتدار در سطح جهانی، رابطه میان حکومت‌ها و فرایندهای جهانی شدن در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات، هویت‌های فراملی طبقاتی، بخش‌های اجتماعی فراملی و غیره اولویت یافته‌اند.

جهانی شدن بزرگترین تهدیدی است که برای الگوی دولت-محور جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک پدیدار شده است. در نتیجه فرایندهای جهانی شدن، توانایی دولت‌های ملی در اتخاذ اقدامات مستقل در اجرای سیاست‌های خود محدود شده، کنترل آنها بر کالاهای تکنولوژی و اطلاعات کاهش یافته و حتی اختیار آنها در تعیین قواعد و قانونگذاری در محدوده سرمایه‌گذاری ملی نیز تنزل پیداکرده است. در سایه این تحولات، اتخاذ چشم‌انداز گسترده‌تری برای مطالعه قدرت و سیاست ضرورت یافته و از این‌رو مطالعه فرایندهای جهانی شدن به عنوان مهمترین عامل در تحول حوزه جامعه‌شناسی سیاسی از اهمیت حیاتی برخوردار شده است.

مفهوم جهانی شدن به مجموعه فرایندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که به موجب آن دولت‌های ملی به نحو فرایندهای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین وابستگی و ارتباط است که برای مفهوم حاکمیت ملی و دولت ملی مشکلاتی ایجاد می‌کند. جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه‌داری جهانی است که سابقه آن به قرن پانزدهم بازمی‌گردد. اما امروزه جهانی شدن بیشتر بر ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این فرایند کلی اطلاق می‌گردد. به هر حال، جهانی شدن همچنان با گسترش سرمایه‌داری در سطح جهان مرتبط است و برخی نیز فرایند دموکراتیزاسیون را یکی از وجوده اصلی جهانی شدن می‌دانند.

گسترش ارتباطات جهانی به واسطه پیشرفت‌های فنی، افزایش اهمیت نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چندملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به عنوان اجزاء اصلی فرایند جهانی شدن، دایرة اختیار و حاکمیت ملی را در حوزه اقتصاد و در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی محدود می‌سازد. روی هم رفته توده قابل ملاحظه‌ای از اقتدار در سطح جهانی و بین‌المللی در حال تکوین و تشکیل است که خواهانخواه به اقتدار سنتی دولت‌های محلی آسیب می‌رساند.

فرایند جهانی شدن را معمولاً در چهار حوزه فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطالعه می‌کنند. در حوزه فنی و تکنولوژیک از وقوع انقلاب صنعتی سوم سخن می‌رود. انقلاب صنعتی اول در قرن

هجدهم تحولی در تکنولوژی تولید بود. انقلاب صنعتی دوم در نیمه دوم قرن نوزدهم رخ داد و تحولی در تکنولوژی توزیع و ارتباط ایجاد کرد. اینک انقلاب صنعتی سوم در پایان قرن بیستم تحولاتی اساسی در حوزه ارتباط، مصرف و اطلاعات به همراه آورده است. تکنولوژی اطلاعاتی شامل شبکه‌های اطلاعاتی کامپیوتری، کمیت و کیفیت اطلاعات قابل دسترسی را به شیوه‌ای انقلابی و بی سابقه دگرگون ساخته است. تحول مشابهی از لحاظ سرعت انجام مراودات و بازرگانی بین‌المللی رخ داده و تکنولوژی ماهواره‌ای موجب ظهور رسانه‌های الکترونیکی در سطح جهانی شده است. در نتیجه این تحولات، فاصله مکانی و جغرافیایی معنای خود را از دست می‌دهد و حوزه عمومی مشترکی در سطح جهانی پذیدار می‌شود که همگان به نحو فرایندهای به مسائل و موضوعات آن علاقه‌مند می‌گردند. این همان چیزی است که برخی از نویسندهای آن را «دهکده جهانی الکترونیکی» نامیده‌اند. در حوزه اقتصاد، به تبع تحولات فنی مذکور، تغییرات بی سابقه‌ای رخ نموده است. جهانی شدن اقتصاد، امکان اجرای اقتصاد کیمیزی را منتفی ساخته است. دیگر فرایندهای مالی و اقتصادی در سطح ملی نمی‌توانند تابع سازوکارهای داخلی و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها باشند. درنتیجه، کنترل دولت ملی بر اقتصاد ملی معنای خود را به نحو فرایندهای از دست می‌دهد و عناصر اصلی سیاست‌های اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. امروزه توفیق اقتصادی در داخل، به معنی توفیق در کسب موقعيت مطلوب در بازارهای بین‌المللی است که به نحو فرایندهای برداش، اطلاعات و تکنولوژی پیشرفت‌های متکی می‌شوند. همچنین قدرت شرکت‌های چندملیتی یا فراملی افزایش چشمگیری یافته است. بودجه این گونه شرکت‌ها و بنگاه‌ها از بودجه بسیاری از دولت‌های ملی بیشتر است. بسیاری از این شرکت‌ها «بی‌دولت» هستند، یعنی به هیچ دولت ملی واحد و یا بازار واحدی وابستگی ندارند. در سایه امکانات و منابع مالی و تکنولوژیک این شرکت‌ها تقسیم کار بین‌المللی جدیدی شکل گرفته است و کل جهان به بازار و میدان عملکرد آنها تبدیل شده است. طبعاً بنگاه‌ها و شرکت‌های فراملی به نحو فرایندهای از قید محدودیت‌های حقوقی-سیاسی قوانین ملی رهایی می‌باشد و عرصه حقوق بین‌المللی گسترش بی‌سابقه‌ای می‌باید. چون مرزهای ملی دیگر چندان به مفهوم و معنای مرزهای فعالیت اقتصادی نیستند، دیگر نمی‌توان به درستی از بازار ملی سخن گفت. گسترش اقتصاد جهانی بدین سان توانایی سیاسی دولت‌های ملی را در امر کنترل و اداره امور اقتصادی خود محدود می‌سازد.^۱

۱- برخی آمارها و اطلاعات موجود ابعاد عظیم جهانی شدن اقتصاد را روشن می‌سازند. مثلاً گفته می‌شود که در سال ۱۹۹۵ تولید ناخالص ۷۰ کشور در جهان، از بین ۲۰۰ کشور، بیش از ۱۰ میلیارد دلار بود. در همین حال حدود ۴۰۰ شرکت چندملیتی هر یک بیش از ۱۰ میلیارد دلار فروش سالانه داشتند. همچنین گفته می‌شود که در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ شرکت چندملیتی پُر تولید جهانی، ۷۰٪ تجارت جهانی و ۸۰٪ سرمایه‌گذاری‌های

از لحاظ سیاسی با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، تحولات چشمگیری در حوزه قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی و ماهیت نظام بین‌المللی رخ نموده است. به عبارت دیگر، عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهانی رو به گسترش بوده است. سازمان ملل متحده، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی از جمله مهمترین بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی شده‌اند که قدرت تصمیم‌گیری در سطح جهانی دارند. افزایش اقتدار این گونه نهادهای جهانی تا حدی نتیجه پیدایش مسائل عمده جهانی، مانند مسئله لایه اوزون و گرم شدن جهان، افزایش جمعیت، مسائل محیط زیستی و غیره است. دیگر دولت‌های ملی به خودی خود نمی‌توانند حریضی برای برخورد با چنین مسائل حیاتی جهانی باشند. در نتیجه، استقلال عمل سازمان‌های بین‌المللی در حوزه تصمیم‌گیری رو به افزایش بوده است. در مقابل، استقلال عمل سیاری از دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه به ویژه به واسطه برنامه‌های تغییر ساختاری صندوق بین‌المللی پول، محدود شده است. از سوی دیگر، توسعه حقوق بین‌المللی محدودیت‌هایی برای آزادی عمل سنتی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه، اینکه در پرتو کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، امکان اجرای حقوق بین‌المللی به طور دسته‌جمعی وجود دارد.

به طور کلی در نتیجه فرایند جهانی شدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی در حال زوال است. برخی از نویسندهای این ویژگی‌ها را در کارآمدی در سیاست‌گذاری داخلی، خودمختاری، شکل حکومت و مشروعتی داخلی یافته‌اند. با جهانی شدن اقتصاد امکان مدیریت کیتری اقتصاد به شیوه قدیم هر چه محدودتر می‌شود و تصمیم‌گیری داخلی در مقابل فرایندهای جهانی اقتصاد، کارآمدی خود را از دست می‌دهد. همچنین با گسترش اختیارات سازمان‌های بین‌المللی، خودمختاری دولت‌ها در عمل محدود می‌گردد. از لحاظ شکل حکومت نیز فرایند دموکراتیزاسیون، به عنوان جزئی از فرایند جهانی شدن، دست کم ظواهر دموکراسی را در همه‌جا گسترش می‌دهد. بالاخره حکومت‌ها دیگر نمی‌توانند به سهولت به مبانی مشروعتی دیگری جز قانون‌گرایی و اقتدار قانونی، آن هم به مفهومی منطبق با قانون‌گرایی در سطح جهان، دست یازند. تعداد دموکراسی‌ها تنها در دهه ۱۹۸۰ به دو برابر افزایش یافت. با انتقال برخی از اختیارات دولت‌های ملی به واحدهای سیاسی بزرگتر، مثل جامعه اروپا،



مستقیم را در دست دارند. در خصوص رشد بازارهای مالی و بورس جهانی و مبادله پولی در بازارهای مالی؛ میزان حرکت سرمایه در هر روز حدود یک تریلیون دلار ذکر شده است. در خصوص آزادسازی بازارها و حذف تعرفه‌ها و موانع تجاری نیز میانگین تعرفه‌ها از ۴۰٪ در دوران پس از جنگ جهانی دوم به ۴٪ کاهش یافته است.

پیمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های مالی جهانی نوعی بروکراسی جهانی نیز در حال تکوین است. در سطح فرهنگی باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزوی از این جامعه هستند و به مسائل و موضوعاتی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولت‌های ملی بسی فراتر می‌روند. برخی از نویسندها از ظهور روابط فرامللی (international relations) در مقابل مفهوم قدیمی روابط بین‌المللی (international relations) سخن گفته‌اند. جامعه مدنی بین‌المللی به عنوان شبکه‌ای از سازمان‌هایی که اهداف و آرمان‌هایشان مرز نمی‌شناستند، از مظاهر اصلی روابط فرامللی هستند.

اشارة‌ای به نقش سازمان‌های غیر حکومتی بین‌المللی (NGOs) نیز در این رابطه لازم است. نقش اصلی این سازمان‌ها گردآوری اطلاعاتی است که بتوان آنها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای اعمال نفوذ در جهت تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از جانب دولت‌های ملی به کار برد. برخی از این گونه سازمان‌ها مستقیماً در امر ترویج و پیشبرد دموکراسی درگیرند. برخی دیگر به طور غیرمستقیم در این رابطه فعالیت دارند و به اموری چون رفع تعیین نسبت به زنان و مسائل محیط‌زیست علاقه‌مندند.

به طور خلاصه، سیاری از نویسندها ویژگی‌های اصلی عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده‌الکترونیک جهانی، پیدایش قبیله جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و جهان، گسترش جهان-آگاهی، پایان جغرافیا و عصر سیرنتیک تلخیص کرده‌اند.

از لحاظ دانش جامعه‌شناسی سیاسی، نکته مهم این است که بر اثر فرایند جهانی شدن حاکمیت ملی دولت‌ها عدلاً دچار محدودیت‌هایی می‌شود، به نحوی که حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته از خود مختاری لازم برخوردار باشند، هر چند از لحاظ حقوقی و صوری مرجع نهایی اقتدار در قلمرو خود محسوب شدنند. با گسترش فرایندهای جهانی شدن دولت‌های ملی ابعاد مهمی از توانایی، خود مختاری و حاکمیت خود را از دست خواهند داد و به نحو فرایندهای بازارهای جهانی، سازمان‌های تجاری منطقه‌ای، نهادهای سیاسی بین‌المللی و جنبش‌های فکری روبرو خواهند شد. طبعاً میزان تأثیر بر توانایی و حاکمیت کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است و همین خود یکی از موضوعات بحث جامعه‌شناسی سیاسی جدید را تشکیل می‌دهد. با توجه به فرایند جهانی شدن، حاکمیت در مفهوم سنتی آن، چه به مفهوم حاکمیت داخلی در وضع و اجرای قوانین و چه به مفهوم حاکمیت بیرونی یا استقلال دولت‌های ملی، معنایی اساساً صوری و حقوقی پیدا می‌کند. خود مختاری دولت‌ها در عمل مسئله‌ای است که دیگر چندان از مفهوم حقوقی و کلاسیک حاکمیت قابل استنتاج نیست. ممکن است خود مختاری دولت‌ها در عرصه‌های مختلف محدود یا محدودش گردد بدون آنکه

حاکمیت ملی آنها از لحاظ حقوقی آسیب بیند. حاکمیت مطلقه ملی به معنای قدیمی و کلاسیک آن اینکه به نحو فرایندهای به مفهومی ناممکن و منسوخ تبدیل می‌گردد. دولت‌های ملی دیگر نخواهند توانست به راحتی برخلاف مسیر تحولات سیاسی و فرهنگی جهان خودسرانه تصمیم‌گیری کنند. استیلای کامل دولت‌های محلی بر شیوه زیست فرهنگی مردم خود با توجه به گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهان دیگر ممکن نیست و در نتیجه هژمونی ایدئولوژیک و فرهنگی الیگارشی‌های محلی تضعیف می‌شود.

بدین سان، با توجه به مجموعه تحولات و فرایندهای جاری، چشم‌انداز تازه‌ای برای مطالعه قدرت و سیاست پدیدار شده است که از محدوده دید جامعه‌شناس سیاسی در پنج فصل کتاب حاضر به خوبی نمایش داده می‌شود.

حسین بشیریه

آبان ۷۹

پیشگفتار مترجم

جامعه‌شناسی سیاسی به طور سنتی بر رابطه دولت و جامعه تمرکز داشته است، اما تغییرات نظری و تجربی که در عرصه بین‌الملل اتفاق افتاده باعث شده که جایگاه دولت ملت به عنوان مرکز فعالیت سیاسی جایجا شود. کتاب حاضر تحولاتی را بررسی می‌کند که در رشته جامعه‌شناسی سیاسی در رابطه با این تحولات به وقوع پیوسته است. در همین راستا توجه فزاینده‌ای به مطالعه سیاسی شدن حیات اجتماعی، از جمله فعالیت جنبش‌های اجتماعی، به چالش کشیده شدن حقوق کلاسیک شهر وندی، و طراحی اقدامات و نهادهای سیاسی فراملی و بین‌المللی مبذول شده است.

این کتاب همه حوزه‌های اساسی پژوهش جامعه‌شناختی را بررسی می‌کند، که عبارتند از: تعاریف قدرت و سیاست؛ جهانی شدن اقتصادی؛ فرهنگی و سیاسی؛ جنبش‌های اجتماعی؛ شهر وندی و سیاست «تفاوت»؛ دموکراسی و دموکراتیک شدن. در هر فصل، تویستنده این موضوعات راز طریق پردازش مدل جدیدی از سیاست که به وسیله پسازخانگرایی و نظریه جامعه‌شناختی اخیر طرح شده، به هم ارتباط می‌دهد. این کتاب، به قول خود تویستنده، در درجه اول برای دانشجویان لیسانس و فوق لیسانس رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نوشته شده و در ضمن کمک مهمی به تعریف مجدد جامعه‌شناسی سیاسی می‌کند.

در اینجا لازم می‌دانم از استاد ارجمند جناب آقای دکتر بشیریه که با مقدمه شیوای خود بر اهمیت کتاب افزودند و با بازبینی ترجمه نقایص آن را گوشزد نمودند صمیمانه تشکر کنم. از دوستان عزیزم آقایان محمدعلی قاسمی و مرادعلی صدوqi که بسیاری از دشواری‌های متن را بر من آسان ساختند نیز

بسیار سپاسگزارم، همچنین از دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور که با سعهٔ صدر کتاب را برای ترجمه در اختیار من گذاشت قدردانی می‌نمایم. در پایان نیز لازم می‌دانم از انتشارات کویر که امکان انتشار این اثر را فراهم آورده است، سپاسگزاری کنم.

محمد تقی دلفروز

آذر ۱۳۷۹